

جنگ‌های آینده و مشخصات آن با تحلیلی بر

دیدگاه برخی صاحب‌نظران نظامی غرب

کیومرث حیدری^۱، فریدون عبدی^۲

چکیده

اساسی‌ترین جنبه بررسی و تبیین دیدگاه صاحب‌نظران نظامی غرب در باب جنگ‌های آینده و مشخصات آن، مباحث دشمن‌شناسی، آینده‌پژوهی و پیش‌بینی ضرورت‌های دفاعی است. این پژوهش از زمره پژوهش‌های کیفی است که برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز آن از روش «روش تحلیل محتوا» استفاده و کوشیده شده تا مبانی لازم برای تبیین موضوع از رهنامه نظامی آمریکا و دیدگاه برخی صاحب‌نظران نظامی غرب استخراج شود. نتایج بیانگر آن است که فضای جنگ در آینده بیشتر فضایی مجازی، سیال، نرم‌افزاری و خارج از حواس انسان خواهد بود که به استعاره می‌توان آن را ذهن نامید.

با بررسی آثار و دیدگاه برخی از نظریه‌پردازان نظامی غرب و رهنامه نظامی آمریکا، مشخصات زیادی برای جنگ‌های آینده قابل استخراج است که در این نوشتار به مواردی همچون: عملیات سریع و قاطع، راه‌اندازی ائتلاف و انجام عملیات مرکب، انجام عملیات تأثیرمحور، هم‌زمان‌سازی قدرت، انجام عملیات غیرخطی، به‌کارگیری نیروهای ویژه، ارزیابی همه‌جانبه اطلاعاتی، درگیری هم‌زمان در سطوح سه‌گانه، انجام عملیات پیش‌دستانه، استمرار عملیات تحت هر شرایطی، توسعه صحنه نبرد، تکیه بر عملیات روانی، حمله به مراکز ثقل، آفند مسطح، تهاجم هوایی و موشکی دقیق، مدیریت زمان، کاهش هزینه‌های جنگ، مدیریت آستانه تحمل ملت‌ها و تغییر در نوع مانور اشاره شده است.

باید خاطر نشان کرد که اغلب نظریه‌پردازان نظامی غرب غالباً با بیان برتری نظامی و نشان دادن توانایی، قابلیت‌ها، فناوری، اقتدار علمی، صنعتی و نظامی خود سعی دارند خود را قدرت برتر نشان دهند. البته این تصور نادرست آنهاست و عنصر مهمی که می‌تواند معادلات جنگ را بر هم بزند نیروی انگیزه، روحیه و شهادت‌طلبی و اراده ملت‌هاست که در پشتیبانی از دولت خویش بر می‌آیند.

واژگان کلیدی: جنگ، آینده پژوهی، جنگ‌های آینده، رهنامه، مشخصات، صاحب‌نظران غربی

۱. جانشین فرماندهی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران.

۲. مدرس، پژوهشگر و عضو هیئت علمی دانشگاه افسری امام علی^(ع).

مقدمه

از ارتباط متقابل اجتماعی دو یا چند تن، کنش‌های متقابل اجتماعی روی می‌دهند و این کنش‌ها یا مثبت و پیوسته هستند و به همکاری می‌انجامند، یا منفی و گسسته هستند و به سبقت‌جویی و رقابت و ستیزه‌کاری منجر می‌شوند. آمیختگی کنش‌های پیوسته و کنش‌های گسسته به هم‌سازی یعنی کوشش برای هماهنگ کردن کنش‌های پیوسته و گسسته کشیده می‌شود.

در حوزه ارتباط بین دولت‌ها، اگر کنش‌های پیوسته به حد کفایت بر کنش‌های گسسته غالب آیند، صلح رخ می‌نماید و اگر خلاف آن واقع شود، وضع دشواری که جنگ نام گرفته بروز می‌کند (محمدی و حیدری، ۱۳۹۰: ۳).

مطالعات نشان می‌دهد که جنگ و صلح پدیده‌هایی اجتماعی هستند و تنها با ابزارهای روش‌شناختی علوم اجتماعی آشکار می‌گردند. زیرا ستیزه‌ها و جنگ‌های گروهی انسان اگر غریزی و طبیعی باشد، باید مانند بسیاری از غرایز، نظمی سامان‌مند داشته باشد و بر اثر آن همه اقوام و ملل به طور منظم و سامان‌مند خواهان آن باشند. اگر عواملی همچون غنیمت و غارت، بیگانه‌ستیزی، خودنمایی و جاه‌طلبی، تلافی و انتقام، رقابت و کسب برتری سیاسی را اهداف عمده جنگ و ستیزه‌ها بدانیم عوامل نظری و عملی پیچیده متعددی زمینه‌ساز ستیزه‌ها و جنگ‌ها در جوامع متمدن به حساب می‌آیند (آزادبخت، ۱۳۸۲: ۷).

در عصر حاضر رشد و پیشرفت شگرف فناوری و سیر صعودی آن، تغییر الگوهای روابط اجتماعی و سیاسی به طور کلی فضای حاکم بر تعاملات میان ملت‌ها و دولت‌ها، دنیا را دگرگون کرده است. از این رو باید پذیرفت که قواعد بازی به طور کلی در آینده تغییر خواهد کرد. جنگ نیز مانند سایر پدیده‌های اجتماعی در این فضای پر از تحول، دچار دگرگونی‌های عمیق و اساسی خواهد شد. لذا با در نظر گرفتن مطالب بالا و این که ژئوپلیتیک کشورمان در بین هفت منطقه بسیار حیاتی (آسیای مرکزی، دریای خزر،

قفقاز جنوبی، دریای عمان، خلیج فارس و تنگه هرمز، آسیای جنوبی و خاورمیانه) واقع شده است و همچنین حضور نیروهای نظامی آمریکا و هم‌پیمانان غربی‌اش در این مناطق، تهدید کننده امنیت ملی ما خواهد بود. از این رو اهمیت پرداختن به موضوع نوشتار کاملاً روشن خواهد شد؛ چراکه کشورهای که به شکلی با سلطه آمریکا در نظام بین‌الملل مخالف‌اند (از جمله ایران) باید با شناخت دشمن و سیاست‌های جنگجویانه او به دنبال روش‌های نوین دفاع و جنگ باشند تا در صورت ایجاد برخورد نظامی بتوانند از حیات و تمامیت ارضی خود در مقابل آنها دفاع کنند.

بیان مساله

پیشرفت‌های سریع و تحولات پرشتاب آینده، فضای نامطمئن و سرشار از فرصت و تهدید را پیش روی نیروهای مسلح قرار خواهد داد. در واقع روز به روز با طیف وسیع‌تری از اقدامات خصمانه دشمن در زمینه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، رسانه‌ای، تبلیغاتی و غیره روبه‌رو خواهیم شد و دشمن در جهت رسیدن به اهداف استکباری خود، ضمن بهره‌برداری از آخرین فناوری‌ها، هر ساله هزینه‌های هنگفتی را به این امر اختصاص می‌دهد. بنابراین در این فضای به شدت تغییرپذیر و نامطمئن، آمادگی‌های نظری و همین‌طور عملی برای پذیرش وقوع جنگ‌های آینده مبتنی بر تکامل اندیشه‌های نظامی، تاکتیک‌ها و فناوری پیشرفته یک ضرورت ملی و حتمی است. لذا اولین گام در جهت آمادگی دفاعی و حفظ اقتدار نظامی بر اساس برخورد با حوادث و جنگ‌های احتمالی آینده، درک صحیح از میزان تهدیدات علیه کشور و سپس فهم نحوه نگرش دشمنان به جنگ‌های احتمالی آینده است.

بنابراین تلاش در راستای تبیین مفهوم جنگ‌های آینده و مشخصات آن با تحلیلی بر دیدگاه برخی صاحب‌نظران نظامی غرب یک نیاز مبرم پژوهشی و تحقیقاتی است. از این رور با در نظر گرفتن موارد یاد شده، ضمن تاکید بر مباحث فیزیکی روند تحقیق،

می‌توان به این سوالات پاسخ داد که جنگ آینده چگونه خواهند بود؟ و مشخصات آنها با بهره‌گیری از تحلیل برخی صاحب‌نظران غربی کدام‌اند؟

مبانی نظری تحقیق

در مبانی نظری تحقیق ابتدا به تبیین کلید واژه‌های تحقیق پرداخته و سپس به جمع‌بندی دیدگاه تعدادی از اندیشمندان نظامی غرب در باب جنگ می‌پردازیم.

تبیین کلید واژه‌های تحقیق

جنگ: جنگ حقیقت همیشگی تاریخ است و صلح تنها یک متارکه موقت جنگ است، پس جنگ اصل و صلح فرع است. جنگ تجلی سیاست است و سیاست نیز قوه تدبیر و تیزهوشی نیروها در جهت‌گیری به سمتی خاص است. بنابراین جنگ ابزار سیاست و یا به بیان دیگر دستاویز سیاست محسوب می‌شود (آراسته، ۱۳۸۹:۱۳). جنگ ستیزه‌های خشن و منظمی است که بین دو یا چند اجتماع در می‌گیرد (محمدی و حیدری، ۱۳۹۰:۴). جنگ تحمیل اراده سیاسی یک کشور به کشور یا کشورهای دیگر با استفاده از قوه قهریه است (آراسته، ۱۳۸۹:۱۳).

آینده‌پژوهی: آینده‌پژوهی در واقع رشته‌ای مستقل است که به شکلی روش‌مند به مطالعه آینده می‌پردازد (روستا، ۱۳۹۱:۱۰). این رشته تصاویری از آینده در اختیار ما قرار می‌دهد تا در زمان حال، بر اساس این تصاویر بتوانیم به شکل کارآمدتری تصمیم‌گیری کنیم. آینده‌پژوهی علم و هنر کشف آینده و شکل بخشیدن به آینده مطلوب است. (بختیاری مقدم و رستمی، ۱۳۹۱:۹۵). آینده‌پژوهی در حوزه نظامی و جنگ که به مطالعه آینده جنگ‌ها برای به کار گرفتن راهبرد دفاعی مناسب در مقابل آن می‌پردازد، در واقع دانش و معرفتی است که چشم فرماندهان و مسئولان مربوط را نسبت به رویدادها، فرصت‌ها و مخاطرات احتمالی آینده جنگ باز نگه می‌دارد و نشان می‌دهد که چگونه از دل تغییرات یا عدم تغییرات امروز وضعیت فردای جنگ زاده می‌شود.

آینده‌پژوهی دارای روش‌های گوناگونی است که برخی از مهم‌ترین این روش‌ها عبارت‌اند از: پویش محیطی، پنل، دیده‌بانی، ذهن‌انگیزی، دلفی، نقشه راه، پس‌نگری، فناوری‌های کلیدی، تجزیه و تحلیل روند، تجزیه و تحلیل پیش‌ران‌ها، تحلیل تأثیر متقابل، مدل‌نگ، شبیه‌سازی رایانه‌ای، چشم‌اندازسازی، مدل سناریو و مدل ترکیبی که ترکیبی از روش‌های مختلف است.

فرمانده و فرماندهی: فرمانده شخصی است که به‌طور رسمی جهت هدایت فعالیت‌های یک واحد نظامی به هر اندازه تعیین می‌شود. این وظیفه فرمانده است که دستورها را دریافت، آنها را فهمیده، با دقت و بدون توجه به احساسات منطقی، آنها را اجرا کند. (اسدی، ۱۳۸۶: ۱۲) فرماندهی اختیاری است که یک فرد در خدمت به سبب شغل یا درجه و مسئولیتی که دارد در راستای انجام مأموریت محوله به‌کار می‌برد. او مسئول اداره کارکنان واحد خود بوده و تنها مقامی است که در قبال اعمالی که واحد او انجام و یا از انجام آن بازمانده است مسئولیت دارد (رستمی، ۱۳۷۸: ۲۱). فرماندهی به شکل کلی عبارت است از ایجاد نظم در افراد تحت امر که در نتیجه وجود آن اجرای مأموریت یگان امکان‌پذیر می‌شود و این موضوع به یک سلسله عوامل اکتسابی و ذاتی بستگی دارد (محمدی فر، ۱۳۸۳: ۴). در نگاه به آینده با در نظر گرفتن دشمنی که همواره دچار ترس ناشی از جنگ‌های فرسایشی مبتنی بر شجاعت و اراده مقاومت است، این فرماندهی صحیح است که در برابر آتش برتر، نیروهای خود را حفظ، خستگی را خسته و دشمن را به بن‌بست می‌کشاند (رشیدزاده، ۱۳۸۳: ۱۱۸).

رزمایش: رزمایش حرکتی است به منظور گسترش عده‌ها، ناوها، وسایل یا آتش‌ها و قرار دادن آنها در یک موقعیت مناسب‌تر نسبت به دشمن؛ به عبارتی دیگر رزمایش به تمرین‌های تاکتیکی اطلاق می‌شود که در دریا، هوا یا زمین یا روی نقشه به منظور تقلید و شبیه‌سازی جنگ انجام می‌شود (حیدری، ۱۳۹۰: ۱۷۴).

رهنامه (دکترین): رهنامه به معنای اصول بنیادین، باورها و چارچوب‌های نظری، دیدگاه، الگو، خط‌مشی، چگونگی عمل، راهنما و روش است. رهنامه سازمانی، بیانگر مجموعه‌ای از اصول، قواعد، خط‌مشی‌های کلی و افکار سازمانی مبتنی بر یک یا چند اصل مشخص و محدود است. رهنامه سازمانی خود می‌تواند بخشی از یک فلسفه یا ایدئولوژی سازمانی و یا حاصل یک یا چند نظریه باشد و یا در چارچوب یک یا چند نظریه ارائه شود. رهنامه در حوزه‌های مختلف به کار گرفته می‌شود. مانند حوزه نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره و هر حوزه خود شامل اجزاء دیگری است. مثلاً در حوزه نظامی از رهنامه هوایی، دریایی، زمینی، دفاعی، امنیتی، سایبری، انتظامی و غیره نام برده می‌شود (ثروتی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳۶).

مانور: مانور واژه بیگانه است که وارد فرهنگ فارسی شده و به معنای رزمایش، تحرک، جنبش، جابه‌جایی عده‌ها، ناوها و کشتی‌ها به کار رفته و در معنای دیگر به عنوان راهی برای نشان دادن توان رزمی و دفاعی یک کشور چه در عملیات آفندی، پدافندی و یا عملیات‌های ویژه به کار رفته است (مرادی محمدی، ۱۳۸۹: ۶۰). شامل مانور احاطه‌ای (یک طرفه، دو طرفه و قائم)، مانور جبهه‌ای، مانور دورانی و مانور رخنه‌ای است.

دشمنان استعماری در بحث افزایش قابلیت‌های مانوری خود، بر روی موارد مانند: استفاده گسترده از توانمندی‌های هوایی، آتش‌های توپخانه‌ای، توانمندی حمله به اهداف راهبردی، انعطاف‌پذیری طرح‌های عملیاتی با تاکید بر استمرار آن تحت هر شرایطی، به‌کارگیری نیروهای ویژه و غیره تاکید دارند (حیدری، ۱۳۹۰: ۱۷۷).

جمع‌بندی دیدگاه تعدادی از صاحب‌نظران نظامی غرب در باب جنگ

لیدل هارت^۱: او بیان می‌کند که هدف یک فرمانده راهبردی این نیست که به دنبال جنگ باشد، بلکه باید به دنبال یک موقعیت راهبردی برتر باشد، به‌طوری

1. Basial H. Liddell Hart

که اگر این برتری به خودی خود نتواند سرنوشت‌ساز باشد، ادامه آن از طریق جنگ چنین دستاوردی را به ارمغان آورد. منظور از این ایده این است که هدف راهبردی بر هم زدن انسجام دشمن است که می‌تواند نتیجه‌ای مانند فروپاشی دشمن را نیز در پی داشته باشد. امری که ضرورتاً به مفهوم نبرد فیزیکی نیست و می‌تواند مشتمل بر نتایج حاصل از عملیات روانی باشد (حبیبی، ۱۳۸۸: ۱۰۰).

کارل فون کلازویتس^۱: او معتقد است که دو جبهه تمایز در جنگ وجود دارد. یکی ایده‌آل و دیگری مطلق با هدف نابودی دشمن. واقعیت جنگ ایده‌آل این است که غایت آن نابودی دشمن به دلیل محدودیت‌های سیاسی و امکانات به عنوان یک هدف راهبردی نیست. در نتیجه ماهیت دوگانه جنگ، انهدام نیروهای دشمن ضرورتاً به مفهوم نابودی دشمن نیست، بلکه قرار داشتن دشمن در وضعیتی است که توان ادامه جنگ را نداشته باشد. البته او به جنبه ایده‌آلی جنگ توجه کافی نداشت. لذا تأکید او بر انهدام و نابودی دشمن به صورت مطلق و مشروط بود (حبیبی، ۱۳۸۸: ۱۰۱).

هانس دلبراک^۲: این نظریه‌پرداز آلمانی، راهبرد فرسایش را در برابر راهبرد انهدام کلازویتس مطرح کرد. در راهبرد انهدام تلاش می‌شود تا نیروهای دشمن از بین بروند. اما در راهبرد کاهش توان رزمی یا فرسایش تلاش می‌شود تا با انجام مانور، نیروهای دشمن خسته شوند و از توان رزمی آنها کاسته شود (همان: ۱۰۲).

جی. اف. سی فولر^۳: این نظریه‌پرداز نظامی معتقد است که قدرت فیزیکی دشمن در قدرت سازماندهی و کنترل یعنی در مغز او نهفته است. پس باید در

1. Carl von Clausewitz

2. Hans Delbruck

3. J. F. C. Fuller

جنگ، مغز را از کار انداخت تا همه بدن از کار بیفتد. فولر به جنگ مغزی به عنوان اثر بخش‌ترین راه برای انهدام قدرت دشمن و سازماندهی او در جنگ به شدت معتقد است. او ماهیت جنگ را به عنوان یک علم مورد بررسی قرار داد و سه قلمرو (فیزیکی، فکری و روانی) جنگ را ترسیم کرد و بیان می‌کند که این سه قدرت فکری، ذهنی و فیزیکی به تنهایی نمی‌تواند پیروزی در جنگ را موجب شود بلکه آنچه باعث پیروزی می‌شود ترکیبی از کاربرد این سه عامل در جنگ است (همان: ۱۰۳).

ترنچارد^۱: او به عنوان فرمانده نیروی هوایی انگلیس، بمباران راهبردی را برای اسکادران‌های هوایی انگلیس به طور مستقل ارائه داده بود و گفته بود که هدف از عملیات هوایی، از بین بردن مراکز تولید مهمات و توقف همه ارتباطات و سامانه‌های حمل و نقل است. ترنچارد می‌دانست که راهبرد تضعیف‌کننده روی جنبه روحی مردم تأثیر دارد. اما این تأثیرات روحی در نتیجه ضعف عملیات جنگی یعنی بمباران مواضع نظامی بود. این روشی بود که کمترین هزینه را برای مهاجم و بیشترین صدمه را بر دشمن وارد می‌ساخت (کالینز، ۱۹۷۳: ۲۶).

جان بوید^۲: عقاید جان بوید مربوط به دهه آینده است و یکی از مباحث او چگونه برنده شدن و چگونه بازنده شدن است. یکی از مراحل و جنبه‌های شناختی که بوید بر آن اصرار داشت این بود که او معتقد بود که تسلط بر جهان رقابتی و غیرقابل پیش‌بینی در شرایط بحرانی و سختی قرار دارد که مبین نوعی از توانایی ذهنی و فکری است (فادوک، ۱۹۹۵: ۱۰). جان بوید با مطالعه تاریخیچه امور نظامی پیشرفته و قدیمی، چهار عامل کلیدی به نام (ابتکار،

1. Trenchard
2. John Boyd

هماهنگی، سازگاری و سرعت) را برای موفقیت در جنگ نام برد. او با توجه به تمایل آمریکایی‌ها به عملیات سریع و برتری در جنگ‌های کوتاه مدت، معتقد است که باید هجوم علیه دشمن بسیار سریع انجام گیرد (حبیبی، ۱۳۸۸: ۱۱۱).

فیلیپ اس. سیلنیگر: نامبرده که نظامی بازنشسته نیروی هوایی آمریکا و یک نویسنده برجسته است می‌گوید: کارکنان نیروی هوایی آمریکا همواره به دنبال انجام عملیات تأثیر محور بوده‌اند. اگرچه از این اصطلاح استفاده نمی‌کردند (حیدری، ۱۳۹۰: ۶۰).

دوهت: او بر این باور است که یک حمله هوایی موفقیت‌آمیز به زیرساخت‌های غیرنظامی در عمق حوزه حاکمیت دشمن تأثیرهای اخلاقی و مادی فوق‌العاده‌ای علیه جمعیت غیرنظامی دارد و اتحاد ملی دشمن برای نبرد را از بین می‌برد (همان: ۸۶).

جان واردن^۱: جان واردن که مشاور نظامی پنتاگون و شورای امنیت ملی آمریکا بود، نظریه خود را که به نظریه «پنج حلقه واردن» مشهور است به پنتاگون ارائه کرد که مورد قبول واقع گردید. در این نظریه، مراکز ثقل کشور، همانند اعضای یک بدن قلمداد گردیده و در صورت انهدام هر یک از مراکز ثقل، سیستم، پیکره و کالبد کشور هدف، فلج می‌شود و قادر به ادامه فعالیت و حیات نخواهد بود. مراکز ثقل پنج حلقه بوده که شامل دایره‌های هم‌مرکزی هستند که در کنار هم، سیستم و ساختار قدرت یک کشور را تشکیل می‌دهند.

حلقه اول: رهبری ملی؛ حلقه دوم: محصولات و تولیدات کلیدی؛ حلقه سوم: زیرساخت‌ها؛ حلقه چهارم: جمعیت مردمی و اراده ملی و حلقه پنجم: نیروهای میدانی (همان: ۱۹۱).

ضمناً نامبرده معتقد است که مؤثرترین و کاربردی‌ترین قدرت اثرگذار در راهبردهای نظامی، نیروی هوایی است و تاثیر توان رزمی باعث افزایش توان نظامی و توان فکری می‌شود (حبیبی، ۱۳۸۸: ۱۱۱).

آلفرد تایلر ماهان: این نظریه‌پرداز آمریکایی با نوشتن کتابی با عنوان «تاثیر قدرت دریایی بر تاریخ» نیروی دریایی را در طول تاریخ عامل اصلی و تعیین‌کننده یک کشور بر مناطق دیگر تلقی کرد. طرفداران نظریه قدرت دریایی، تحت تاثیر افکار آلفرد ماهان، بر این باورند که کنترل دریاها، در نهایت تصمیم‌گیری در خشکی را مشخص می‌کند. آنها معتقدند حاکمیت بر گلوگاه‌های دریایی، ماموریت‌های ممانعتی و غیره بر نیروهای خشکی فشار غیرمستقیم وارد می‌آورد. بدین ترتیب، نظریه دریایی، کنترل دریا و بهره‌گیری از آن به منظور کمک به کنترل در زمین را شامل می‌شود. ماهان یادآور می‌شود که در واقع نزدیک به چهار پنجم جهان آب است؛ بنابراین دریاها، قلب زمین محسوب می‌شود. زیرا خشکی‌ها از نظر فیزیکی در مقابل اقیانوس‌ها کوچک هستند و از طرفی ارتباط خشکی‌ها از راه دریاها انجام می‌گیرد (طحانی و داناپوسی، ۱۳۹۰: ۱۰۵).

جولیان اس کوربت^۱: این نظریه‌پرداز بریتانیایی افکار خود را بر طبیعت و ماهیت راهبرد دریایی متمرکز نمود. او سعی کرد که معنای رزم نیروی دریایی در قدرت یک کشور را تشریح کند. کوربت برخلاف آن دسته از نظریه‌پردازان که عقیده داشتند قدرت نیروی زمینی را در محیط دریایی به کار گیرند، او معتقد بود که منافع و لازمه جنگ دریایی، با روش‌های جنگی نیروی زمینی بسیار متفاوت است. کوربت عقیده داشت،

1. Julian Stafford corbet

حفظ خطوط مواصلاتی در دریا، از روی زمین بسیار مشکل‌تر است و این مشکل به خاطر طبیعت دریا است. دریا ویژگی‌های منحصر به فرد خود را دارد. کوربت می‌گوید: شما هیچ‌گاه نمی‌توانید دریا را تسخیر کنید، زیرا دریا برای مالکیت مناسب نیست ولی می‌توانید آن را تحت کنترل، سیادت و حاکمیت خود در آورید. کوربت در سایر موارد هم با ماهان اختلاف نظر داشت؛ برای مثال ماهان آمریکایی عقیده داشت که باید دشمن را از نظر فیزیکی منهدم کرد تا بر دریا سیادت پیدا کرد ولی کوربت معتقد بود که اگر بتوانی از دریا عبور کنی، برنده هستی (همان: ۱۰۵).

بیلی میچل^۱: بیلی میچل که به اسطوره قدرت هوایی آمریکا معروف است، به انهدام روانی فلج راهبردی معتقد بود (فادوک^۲، ۱۹۹۵).

اهمیت و ضرورت موضوع تحقیق

اساسی‌ترین جنبه تبیین جنگ‌های آینده و مشخصات آن پیش‌بینی ضرورت‌هایی است که باید توسط این مشخصات تامین شوند. لذا توجه به این موضوع از سه جنبه اساسی ضرورت داشته و مورد تاکید فرماندهی معظم کل قوا قرار گرفته است.

- ضرورت آینده‌پژوهی حوزه جنگ و ساختن آینده: «فعالیت بر اساس نیازهای آینده باشد، این آینده را ترسیم کنید نه مطابق جهت ترسیم‌شده غربی‌ها، جهت حرکت را خودمان تعیین کنیم»^۳.

- ضرورت دشمن‌شناسی، شناخت اهداف و برنامه‌های او: «این‌که ما بتوانیم طرح کلی دشمن را در مورد خودمان بدانیم، بخشی از توان دفاعی ماست. به این مساله توجه

1. Billy Mitchell
2. Fadok

۳. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با نخبگان علمی سراسر کشور، مورخه ۱۳۸۸/۸/۶

داشته باشید. ندانستن این که دشمن چه در سر دارد و چه می خواهد بکند، غفلتی است که ما را از امکان برخورد و دفاع محروم می کند، ما باید این را کاملاً بدانیم^۱.

- ضرورت آمادگی دائمی، حفظ و استمراربخشی به آن در مقابل دشمن: «... همیشه آماده باشید...»^۲. «توصیه من این است که برای آمادگی هیچ فرصتی را از دست ندهید... همیشه باید آمادگی ها را حفظ کرد و افزایش داد؛ آمادگی های مادی و معنوی»^۳.

روش تحقیق

با توجه به ماهیت کیفی بودن تحقیق، برای مطالعه روش «تحلیل محتوا» انتخاب شد. تحلیل محتوا یکی از مهمترین روش های تحقیق کیفی است که در پی شناخت اطلاعات، به تحلیل آنها می پردازد؛ در واقع روشی قابل قبول در بررسی های متنی است. این متن می تواند کتاب ها، مقاله ها، بحث ها و مصاحبه ها، اندیشه ها، دیدگاه اندیشمندان، روزنامه ها، اسناد تاریخی و نظامی، سخنرانی ها، محاورات رسمی و غیر رسمی، تبلیغات و یا هر رخداد ارتباطی دیگر باشد. کثرت کاربرد تحلیل محتوا آن را از انحصار رشته ای خاص بیرون آورده است. لذا هر چیزی قابل محتوا است و هر پدیده ای تحلیلی می تواند محتوا شود.

در تحلیل محتوای کیفی مفاهیمی وجود دارد که در متن بسیار به آن اشاره می شود. از جمله این مفاهیم محتوای آشکار و نهفته، واحد تحلیل، واحد معنا، فشردگی، خلاصه سازی، حیطة محتوا، کد، طبقه و تم است.

هنگامی که متن با جنبه هایی از محتوا سر و کار دارد، اجزایی آشکار را توصیف می کند و بر عکس زمانی که متن با جنبه های ارتباطی محتوا سر و کار دارد و تحلیل گر

۱. سخنان فرمانده کل قوا در جمع دانشجویان بسیجی ۱۳۸۲/۳/۱۸

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب مورخه ۱۳۸۳/۱۲/۱۹

۳. بیانات رهبر معظم انقلاب در مورخه ۱۳۸۱/۸/۲۶

درگیر تفسیر معانی متن است، به تحلیل محتوای نهفته اشاره می‌شود. واحد تحلیل شامل تنوع وسیعی از نمونه‌های مطالعه است. در واقع جامعه و یا هر عبارت یا کلمه نوشته شده در متن نسخه‌برداری شده می‌تواند به عنوان واحد تحلیل مورد توجه قرار گیرد. واحد معنای کلمات یا عباراتی هستند که به معنای اصلی مربوط هستند. منظور از تنزل یا فشردگی کم کردن اندازه متن بدون تغییر در کیفیت آنچه در متن وجود دارد و خلاصه‌سازی فرایند کوتاه کردن متن است؛ در حالی که هسته اصلی متن حفظ شود. حیطه محتوا بخشی از متن بر اساس فرضیه‌ها و یا بخش‌های از متن است که به عنوان خاصی در یک راهنمای مصاحبه و یا مشاهده اشاره دارد. کد بر چسب، واحدی معنایی است و طبقه‌گروهی از محتوا است که اشتراکات را به مشارکت می‌گذارد. در واقع هسته اصلی شکل تحلیل محتوای کیفی طبقات است و سرانجام تم را یک باز رخداد منظم در یک طبقه معرفی می‌کند (ادیب حاج باقری و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۵۶).

اهداف تحقیق

این تحقیق دارای یک هدف کلی و تعدادی اهداف فرعی است که هدف کلی و اساسی از انجام آن، بررسی جنگ‌های آینده و مشخصات آن با تحلیلی بر دیدگاه برخی صاحب‌نظران نظامی غرب است که اهداف فرعی دیگری همچون شفافیت و روشن‌سازی موضوع، تلاش در راستای کسب تجربه و آگاهی بخشیدن به مخاطبان، غنی‌سازی روند پیش‌بینی رفتار دشمن، شناخت کافی از توانمندی و مقدرات دشمن به‌عنوان بخشی از توان دفاعی خودی را به دنبال دارد.

سوالات تحقیق

نظر به اهمیت سوال و نقش آن در اثربخشی یک کار پژوهشی و با توجه به این‌که سوالات، راهنمای اصلی محقق در طول کار خواهد بود؛ لذا پژوهش‌گران، در راستای تأمین اهداف اصلی و فرعی دو سوال اصلی را مطرح کرده‌اند و سعی دارند با پاسخ به

این سوالات، اقدامات پژوهشی خود را متمرکز و هم‌گرا ساخته تا بهره‌دهی و اثربخشی آن‌را افزایش دهد. از این رو سوالات تحقیق عبارت است از:

- جنگ‌های آینده چگونه قابل پیش‌بینی خواهد بود؟
- جنگ‌های آینده با در نظر گرفتن دیدگاه برخی صاحب‌نظران غربی از چه مشخصاتی برخوردار خواهد بود؟

بحث و تجزیه و تحلیل اطلاعات

در روش تحلیل محتوا داده‌های کیفی (متن، کلام و ...) مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد و مضامین نهفته در محتوای داده‌ها استخراج، کدبندی و سپس هر یک از آنها بر حسب ویژگی‌های مورد نظر تجزیه و تحلیل می‌شود. این ویژگی‌ها معمولاً مواردی نظیر: فرکانس تکرار، جهت‌گیری، شدت و فضای تخصیصی را شامل می‌شود (مرادپیری، ۱۳۹۱: ۴۲) در این تحقیق برای تجزیه و تحلیل اطلاعات آثار و دیدگاه‌های برخی از اندیشمندان و نظامیان غربی مانند: لیدل هارت، کارل فون کلازویتس، هانس دلبراک، جی. اف. سی فولر، ترنچارد، جان بوید، فیلیپ اس. سیلینگ، جولیو دوهت، جان واردن، آلفرد تیر ماهان، جولیان اس کوربت، بیلی میچل و همچنین رهنامه نظامی آمریکا در باب جنگ‌های آینده و مشخصات آن، مطالعه، بررسی و تجزیه و تحلیل شد تا زمینه پاسخگویی به سوالات تحقیق فراهم آید.

مفهوم جنگ‌های آینده

پیش‌بینی می‌شود که فضای جنگ در آینده بیشتر فضایی خواهد بود مجازی، سیال، نرم‌افزاری و خارج از حواس انسان که به استعاره می‌توان آن را ذهن نامید. ماهیت این فضای نرم‌افزاری نزد نظریه‌پردازان مختلف، متفاوت است. در این جنگ‌ها تمرکز به عقبه، نه با مرزبندی مشخص، بلکه نوعی تلاش از درون با حمله از راه دور به صورت

اطلاعات پایه یا دانش‌محوری استوار خواهد بود. یکی از هدف‌های اصلی در جنگ‌های آینده نشانه‌روی روی اراده درون نیروها و آنچه در مغزها است. در جنگ‌های آینده طرف‌های جنگ به سلاح، به معنایی که در عرصه گذشته و حال از آن یاد می‌شود متوسل نمی‌شوند. در تبیین معنا و مفهوم سلاح در جنگ‌های آینده باید گفت که به‌طور کلی منظور از سلاح، ابزار و وسیله و حتی روش‌هایی است که می‌توان از آن برای از پای در آوردن دشمن یا اختلال در روند او استفاده کرد. سلاح سرد و گرم در جنگ‌های آینده تعاریف جدیدی پیدا خواهند کرد.

در آینده اخلال در شبکه‌های اطلاع‌رسانی و ارتباطی، اخلال در سیستم‌های که زیر ساخت‌های زندگی اجتماعی را هدایت و کنترل می‌کنند، حمله‌های سایبری و نرم‌افزاری، کنترل و هدایت شناخت و انجام عملیات روانی و... نمونه‌هایی از سلاح‌های مورد استفاده در جنگ‌های آینده خواهند بود.

در جنگ‌های آینده شاهد تغییراتی در ترکیب بازیگران جنگ نیز خواهیم بود. از این رو نباید تصور شود حتماً جنگ را در قالب دشمنی چهره به چهره دو دولت یا دو قوای مسلح ببینیم. شاید شکل جنگ‌های آینده، درگیری بین ملت‌ها با دولت متجاوز باشد، یا این‌که در تداوم مقابله با متجاوز، ملت‌ها در کنار ارتش و نیروهای مسلح خود قرار گیرند.

زمینه و بستر سیاسی اگرچه به عنوان وجه غالب عوامل بروز جنگ کمتر ذکر شده است، اما یکی از اساسی‌ترین و بنیادی‌ترین عوامل بروز جنگ‌ها در آینده قابل پیش‌بینی خواهد بود. می‌توان گفت در جنگ‌های آینده، تغییر رفتار سیاسی یا تحمیل اراده سیاسی به عنوان عمده‌ترین هدف است که به‌وسیله استعمارگران، علیه کشور یا ملت مستقل و ضد استعماری تعقیب خواهد شد؛ به همین جهت می‌توان جنگ‌های آینده را به عنوان جنگ تغییر رفتار سیاسی تلقی کرد. جنگ‌ها در آینده از جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی نیز نسبت به جنگ‌های گذشته بسیار متفاوت خواهند بود، در جنگ‌های آینده

شرایط اجتماعی و فرهنگی حاکم بر جوامع و ارزش‌های اجتماعی و اهداف سیاسی جنگ موجب ترجیح و به‌کارگیری برخی سلاح‌ها نسبت به یکدیگر خواهد بود؛ از طرفی محیط جنگ یا صحنه نبرد نیز متغیر دیگری است که موجب برتری برخی سلاح‌ها نسبت به برخی دیگر می‌شود. می‌توان جنگ‌های آینده را از نظر محیط به‌عنوان جنگ در محیط ویژه^۱ یاد کرد. همچنین توجه به اصل غافلگیری در جنگ‌های آینده مخصوص سطح تاکتیکی جنگ نیست، بلکه این اصل در سطح راهبردی هم جایگاه ویژه‌ای خواهد داشت.

شتاب افسار گسیخته تغییرات در آینده جنگ‌ها چالش‌های جدی در حوزه فرماندهی به دنبال خواهد داشت و تغییر و کارآمدی در جنگ‌ها، دنباله‌رو تحول در چرخه فرماندهی خواهد بود و فرماندهی در مرکز قدرت نیروهای مسلح برای جنگ قرار خواهد داشت.

مشخصات جنگ‌های آینده

با بررسی آثار و دیدگاه برخی از نظریه‌پردازان نظامی غرب و رهنامه نظامی آمریکا، مشخصات زیادی برای جنگ‌های آینده قابل استخراج بود که در اینجا به تعدادی از آنها اشاره می‌شود:

۱- عملیات سریع و قاطع

با توجه به گسترش ابزارهای اطلاع‌رسانی جهانی، تلفات و ضایعات ناشی از جنگ به‌وسیله رسانه‌های مختلف، به سرعت اطلاع‌رسانی می‌شود که تاثیر شگرفی بر آستانه تحمل ملت‌ها دارد، لذا استعمارگران بر این عقیده‌اند که با انجام مانوری با قدرت و سرعت تمام، جنگ را در حداقل زمان ممکن به پایان برسانند.

۱. منظور از محیط‌های ویژه، شهرها (جنگ شهری) جنگل‌ها، کوهستان‌ها، سواحل و... در مجموع بهره‌گیری از عوارض و عوامل برتر ساز محیطی علیه متجاوز است.

آمریکایی‌ها و هم‌پیمانان غربی آن به منظور کاهش تلفات و کاهش هزینه و ملاحظه آستانه تحمل ملت‌ها رهنامه نظامی خود را عملیات سریع و قاطع تعریف کرده‌اند تا به آن وسیله شوک^۱ اولیه را که کلید اصلی موفقیت و دستیابی به اهداف سیاسی جنگ است، به طرف مقابل تحمیل نمایند تا ضمن مدیریت زمان، فرصت اعمال تدبیر به موقع را از طرف مقابل بگیرند.

۲- راه‌اندازی ائتلاف و انجام عملیات مرکب

بررسی و تحلیل اطلاعات نظامی نشان می‌دهد که آماده‌سازی افکار عمومی قبل از آغاز عملیات، بخشی از اقدامات جنگ روانی آمریکا و متحدانش است. در این راستا، آنها همواره سعی دارند که در قالب ائتلاف، برای توجیه کردن اقدامات تجاوزگرانه خود اقدام به تجاوز کرده و عملیات را به‌گونه‌ی مرکب انجام دهند. بدیهی است آمریکایی‌ها با توجه به توانایی‌هایی که در هدایت و کنترل فرماندهی با تکیه بر فناوری‌های مختلف دارند، بیشتر در کلیه عملیات‌های مرکب هم مسئولیت کنترل و هدایت نیروهای سایر کشورها را نیز خواهند پذیرفت، مگر در بخش‌هایی که کمتر اهمیت داشته است.

۳- انجام عملیات تاثیر محور یا مبتنی بر تاثیر

بررسی آثار و دیدگاه برخی از نظریه‌پردازان نظامی غرب و رهنامه نظامی آمریکا نشانگر آن است که آنان در جنگ‌های آینده، همواره به دنبال عملیات تاثیر محور خواهند بود. عملیات تاثیر محور یعنی پرهیز از تخریب اهداف جانبی و تکیه بر انجام عملیاتی که تاثیر قطعی و مؤثر در سرنوشت جنگ دارد. چه بسا که یک اقدام تاکتیکی یا انهدام یک هدف کوچک تاثیر راهبردی در سرنوشت جنگ داشته باشد.

۱. یکی از تدابیر ارزنده فرماندهی کل قوا، مدیریت و مهار شوک اولیه ناشی از تجاوز دشمن است که سعی می‌کند با به‌کارگیری تمامی مولفه‌های قدرت، به‌طور همزمان شوک عظیمی را وارد کند. بنابراین معظمله تاکید دارند یکی از راه‌های مهار این شوک، تحمیل جنگ زمینی به دشمن است.

۴- سینرزی یا هم‌افزایی قدرت

یکی دیگر از مشخصات جنگ‌های آینده از نظر غرب سینرزی یا هم‌افزایی قدرت است. یعنی به‌کار بردن همه عناصر قدرت در یک زمان فشرده و کوتاه به‌منظور وارد آوردن شوک لحظه‌ای و بی‌تبادل ساختن سیستم. در جنگ‌های آینده، فرماندهان و رهبران در همه سطوح به‌طور هم‌زمان درگیر می‌شوند و سطوح راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی بر هم منطبق است.

۵- انجام عملیات غیرخطی

مطالعات نشان می‌دهد که آمریکا و متحدانش به احتمال زیاد در جنگ‌های آینده یگان‌های خود را در مجاورت هم، در امتداد یک خط آرایش نخواهند داد (در امتداد خطوط خیز) و به همان سبک و قواعد سنتی، حرکت نخواهند کرد و از چنین شیوه‌هایی اجتناب خواهند کرد. لذا در صدد هستند که محیطی غیرخطی ایجاد کنند. این محیط غیرخطی به دو مفهوم است.

- غیرخطی بودن به معنی غیر پیش‌بینی بودن

- غیرخطی به معنی اجتناب از خطوط مشخص

اجتناب از خطوط مشخص یعنی پرهیز از انجام مانورهای جبهه‌ای و عدم موازی‌سازی آرایش و گسترش یگان‌ها، یعنی دشمن به جای عملیات جبهه‌ای از عملیات سطحی یا مستقیم استفاده خواهد کرد؛ به عبارتی به جای این‌که روی یک خط عملیات انجام دهد، در سطح عملیات انجام خواهد داد. عملیات‌های احاطه‌قائم یا عملیات‌های نفوذی عمیق انجام خواهد داد، محیط‌های عملیاتی غیر پیوسته یا ناپیوسته ایجاد می‌کند و از راه هوابرد و هلی‌برن نفوذهایی عمیق و عمده انجام خواهد داد.

۶- به‌کارگیری نیروهای ویژه

نیروهای عملیاتی ویژه که دارای قابلیت‌های چشم‌گیری در زمینه استقرار سریع و به‌موقع در مواضع مورد نظر و انجام عملیات‌های قاطع و کوبنده هستند. واحدهای

عملیاتی ویژه نیروهای معمولی را تقویت کرده و اثرات عملیات انجام شده به‌وسیله آنها را تا حد زیادی افزایش خواهند داد. این نیروها می‌توانند در شرایطی که به یک نیروی بسیار متخصص و در عین حال کوچک و کم حجم نیاز است، به‌صورت مستقل به‌کار روند. نیروهای ویژه این امکان را برای فرماندهان نظامی فراهم می‌آورند تا از انجام عملیات‌هایی که قسمت بزرگ نیروی تحت فرماندهی آنها را تهدید می‌کنند، اجتناب و آنها را به نیروهای عملیات‌های ویژه واگذار کنند.

۷- ارزیابی همه‌جانبه اطلاعاتی

مطالعات نشان‌گر آن است که نیروهای مسلح آمریکا به این باور رسیده‌اند که جنگیدن در سرزمین دشمن با تکیه بر اطلاعات رزمی، که در گذشته به‌عنوان اطلاعات لازم برای نبرد مطرح می‌گردید، عملی نیست. بلکه نیازمند اطلاعات جامع و دقیقی از دشمن و صحنه نبرد؛ از جمله وضعیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... است. این اطلاعات بیشتر در حوزه فعالیت جمع‌آوری سازمان‌های اطلاعات نظامی قرار ندارد، بلکه دسترسی به آنها مستلزم فعالیت سرویس‌های اطلاعاتی غیر نظامی هست. به‌همین منظور این سرویس‌ها در یک کمیته مشترک اطلاعاتی با ارتش آمریکا، نیازمندی‌های اطلاعاتی ارتش از منطقه نبرد و کشور هدف را تامین و ارائه می‌کنند. علاوه بر توسعه حوزه و ابعاد اطلاعاتی به لحاظ کمی با تکیه بر فناوری اطلاعات، نیازمندی‌های اطلاعات نظامی خود به‌ویژه آرایش و محل استقرار نیروها و مواضع دشمن را به‌دست می‌آورد و براساس آنها به طرح‌ریزی دقیق عملیاتی دست می‌زنند و با برتری اطلاعاتی کلیه طرح‌های پدافندی نیروی مقابل را شبیه‌سازی و ارزیابی می‌کند، سپس عملیات را اجرا خواهند کرد.

۸- درگیری هم‌زمان در سطوح سه‌گانه

درگیری هم‌زمان در سطوح سه‌گانه بدین معناست که نباید در جنگ‌های آینده منتظر حمله دشمن از مناطق مقدم نبرد باشیم. بلکه دشمن ابتدا به سراغ اهدافی در عمق

کشور می‌رود و جنگ را از عمق شروع می‌کند (حمله به اهداف راهبردی)، سپس جنگ را به سطوح عملیاتی و تاکتیکی گسترش می‌دهد، یا این‌که دشمن با توجه به رهنامه عملیاتی عمیق مبتنی بر بمباران‌های راهبردی همراه با انجام مانورهای احاطه قائم، محیط‌های غیر خطی ایجاد می‌کند.

۹- انجام عملیات پیش‌دستانه

مطالعات انجام شده درباره نبردها نشان می‌دهد که در زمان جنگ سرد، رهنامه نظامی آمریکا بر مبنای بازدارندگی بود. پس از آن محیط امنیتی جدیدی به وجود آمد که از نظر ماهیت تهدیدات علیه آمریکا با محیط دوران جنگ سرد بسیار متفاوت بود. نمونه عینی آن در عملیات یازدهم سپتامبر به وقوع پیوست. متقابلاً به وسیله آمریکا رهنامه عملیات پیش‌دستانه جایگزین رهنامه مبتنی بر بازدارندگی گردید. رهنامه عملیات پیش‌دستانه مبتنی بر حمله به دشمنانی است (به زعم آمریکایی‌ها) که به شیوه‌های نامتقارن و غافلگیرکننده خواهند جنگید. بر اساس این رهنامه، آمریکایی‌ها اعتقاد دارند، نباید منتظر بود تا این‌گونه دشمنان به گونه‌ای نیرومند شوند که جرات انجام عملیات علیه منافع آمریکا را پیدا کنند، بلکه باید با انجام عملیات پیش‌دستانه، نسبت به انهدام و نابودی آنان اقدام کرد. اهداف کلی این رهنامه به شرح زیر است:

- حراست از آمریکا در مقابل تهدیداتی که در خارج از کشور به وسیله بازیگران نامتقارن صورت خواهد گرفت؛

- بیرون کشاندن دشمنان بالقوه از پناهگاه‌ها و تحقق گام‌های مربوط، به منظور انهدام و جلوگیری از انجام عملیات آنان علیه آمریکایی‌ها، نیروی نظامی یا منافع آمریکا؛

۱۰- استمرار عملیات، تحت هر شرایطی در هر زمانی و مکانی به صورت ناپیوسته

و نامتناوب

غالب نظریه‌پردازان غرب و آمریکایی‌ها اعتقاد دارند با داشتن تحرک بالا، تجهیز یگان‌های نظامی به فناوری‌های نوین، قدرت آتش اطمینان‌بخش، چابک و چالاک کردن

یگان‌ها قادر خواهند بود به منظور کوتاه کردن دوره عملیات، تحت هر شرایطی یا در هر زمان و مکانی تک کنند. هر چند عملیات‌ها از نظر مکانی با هم پیوستگی نداشته باشند.

۱۱- توسعه صحنه نبرد و نفوذ بر عمق هدف

یکی دیگر از مشخصات جنگ‌های آینده از نظر صاحب‌نظران نظامی غرب، توسعه صحنه نبرد و نفوذ بر عمق هدف است. این رهنامه مبتنی بر برتری اطلاعاتی، برتری هوایی، قدرت آتش، تحرک و بهره‌مندی از فناوری نوین در عرصه‌های مختلف است و با توجه به قابلیت‌های عنوان شده، اقدام در راستای این رهنامه، توسعه صحنه نبرد را در پهنه‌ای بسیار وسیع‌تر امکان‌پذیر می‌کند و موجب می‌شود نیروهای پدافندکننده در گستره طولانی پراکنده شوند و در سامانه پدافندی و هدایت عملیات طرف مقابل اختلال به‌وجود آید.

۱۲- تکیه بر عملیات روانی

از آنجا که جنگ آینده جنگ غلبه تصمیم تعریف شده است، لذا عملیات روانی بخشی جدانشدنی و بسیار با اهمیت در جنگ‌های آینده و از ویژگی‌های آن خواهد بود. انجام عملیات روانی در سطوح سه‌گانه راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی قبل از آغاز تهاجم، ضمن نبرد و پس از آن صورت می‌گیرد. در جنگ‌های آینده عملیات روانی به عنوان سلاح تأثیرگذار جنگ که هدف آن تسخیر اذهان جامعه هدف به منظور سرعت بخشیدن به پیروزی و دستیابی سریع به اهداف جنگ است، بسیار مورد توجه خواهد بود.

۱۳- حمله به مراکز ثقل

مطالعات نشانگر آن است که در جنگ‌های آینده، دشمن از هدف‌های عمیق و راهبردی عملیات را آغاز می‌کند و مراکز ثقل را مورد هدف قرار می‌دهد. منظور از مراکز ثقل، مراکزی است که حمله و انهدام آنها برابر نظریه جان واردن بر روند تغییر در

سیاست‌های راهبردی طرف مقابل مؤثر است، به گونه‌ای که دست‌یابی به اهداف جنگ را شتاب می‌بخشد.

۱۴- آفند مسطح و تاکتیک عملیات موزاییکی

دشمن در جنگ آینده از آفندهای مسطح (سطحی)، حجمی، فضایی یا سه‌بعدی و همچنین تاکتیک عملیات موزاییکی به جای عملیات‌های آفندی خطی استفاده می‌کند. دشمن با استفاده از محورهای مواصلاتی جاده‌ای و با بهره‌برداری از واحدهای پرتحرک (متحرک زمینی و متحرک هوایی) و با برقراری پوشش هوایی، پیشروی خواهد کرد.

تاکتیک عملیات موزاییکی نوعی عملیات است که در آن، سرزمین دشمن به بلوک‌های با طول و عرض معینی تقسیم می‌شود و در هر یک از بلوک‌ها، نبردی مستقل توسط نیروی مشترک هوایی و زمینی انجام می‌شود. اشغال عراق توسط آمریکا، تاکتیک منحصر به فردی بود که عملیات موزاییکی در آن اجرا گردید (طحانی و دانا طوسی، ۱۳۹۰:۱۱۱).

۱۵- تهاجم هوایی و موشکی دقیق

تهاجم هوایی و موشکی دقیق یکی از ویژگی‌های جنگ‌های آینده است. در این نوع حملات از تعداد موشک‌ها و هواپیماهای کمتری نسبت به حملات گسترده در فازهای طولانی استفاده می‌شود. ولی با وجود استفاده از تعداد هواپیمای کمتر، اثربخشی آن در ناتوان‌سازی طولانی‌مدت طرف مقابل به دلیل انتخاب اهداف حیاتی و هدف‌گیری دقیق، بیشتر است. قدرت هوایی می‌تواند آتش زیادی را روی دشمن بریزد. ولی این عمل پرهزینه است و تداوم آن مشکل خواهد بود. هدف قراردادن یک هدف بی‌اهمیت یا بمبی که باید کیلومترها جابه‌جا شود، هزینه زیادی دارد. در سناریوی فلج‌سازی راهبردی، فرض می‌شود که هر کشور مراکز زیادی دارد که نسبت به بقیه مهم‌تر است و برای توانمندسازی آن کشور در راستای آغاز و تداوم جنگ اهمیت زیادی خواهد داشت. متجاوز اعتقاد دارد، چون تخریب این اهداف، که در حقیقت منابع ارزشمند ملی

نیز هستند، می‌تواند طرف مقابل را فلج سازد؛ از این رو باید منابع قدرت هوایی را تنها روی همان اهداف متمرکز کرد.

از دیدگاه برخی نظریه‌پردازان غربی اهداف حساس و حیاتی هر کشور عبارت است از:

- رهبری ملی
 - صنایع حیاتی و زیربنایی
 - نیروهای مسلح
 - جمعیت غیرنظامی (اراده ملی)
 - شبکه حمل و نقل
 - منابع ارتباطی و مخابراتی و زیرساخت‌های آن
- این اهداف از این رو اهمیت دارند که به عنوان پایه‌های قدرت کشورها شناخته شده و به همین دلیل می‌توانند به عنوان اهداف لازم برای شکست در نظر گرفته شوند.
- حملات هوایی و موشکی در جنگ‌های آینده با بهره‌گیری از تجهیزات پیشرفته زیر صورت می‌گیرد:

- ماهواره‌ها (ماهواره‌های دورسنج و ماهواره‌های مکان‌یاب)
- هواپیماهای با سرنشین و بدون سرنشین (دارای سامانه جمع‌آوری اطلاعات اپتیکی، حرارتی)
- سامانه‌های موشکی شامل: (موشک‌های کروز و بالستیک زمین‌پایه، دریایاپایه و هوایاپایه و موشک‌های هوا به سطح برد بلند)
- تهدیدات هوایی (هواپیمای بمب‌افکن راهبردی، هواپیماهای پشتیبانی دور هوایی، هواپیماهای جنگ الکترونیک دور ایستا و هواپیماهای بدون سرنشین هجومی با توان فرود بر روی باند زمینی و بر روی ناو هواپیمابر)
- عملیات متحرک هوایی
- لیزرهای توان بالا

- بمب‌های گرافیتی پودری و رشته‌ای

- بمب الکترومغناطیسی

۱۶- مدیریت زمان

غربی‌ها تاکید دارند تا جایی که ممکن است طول دوره جنگ در آینده کوتاه شود. بنابراین مدیریت زمان برای آنان اهمیت زیادی دارد. هر طرفی که توانست زمان را بهتر مدیریت کند، برنده جنگ خواهد بود یا نتیجه بهتری از جنگ خواهد گرفت.

۱۷- تلاش در راستای کاهش هزینه‌های جنگ

بحث هزینه‌های جنگ که بالطبع موجب توجه دشمنان به بودجه‌های دفاعی می‌شود بسیار مهم است؛ زیرا اختصاص بودجه و اعتبارات بیشتر به بحث جنگ، مترادف کسر کردن بودجه سایر بخش‌های اجتماعی و در مجموع حیات سیاسی یک نظام خواهد بود. از این رو در صورت طولانی یا پیچیده شدن سرنوشت جنگ، اقداماتی پیاپی و قاطع را طلب می‌کند که یکی از این اقدامات، اختصاص بودجه و اعتبار مضاعف برای برون رفت از وضعیت ایجاد شده است.

۱۸- تاکید بر عملیات سایبری و مجازی‌سازی جنگ

عملیات سایبری اشکال متعددی داشته و از انواع فناوری‌های پیشرفته بهره می‌جویند. سامانه سلاح‌های هوشمند، ماهواره‌های جاسوسی، پرنده‌های بدون سرنشین با مداومت پرواز بالا و فناوری موقعیت‌یاب جهانی، نمونه‌هایی از فناوری‌های مورد استفاده در عملیات سایبری هستند. در آینده، فضای سایبرنتیکی، نقش مهمتری در مجازی‌سازی فضای جنگ با اثرگذاری بر افکار عمومی با تحریک دشمن علیه کشور مورد نظر خواهد گذاشت. مجازی‌سازی جنگ، میدان نبرد را به گستردگی ذهن همه مخاطبان گسترش می‌دهد.

۱۹- مدیریت آستانه تحمل ملت‌ها

در آینده با گسترش هر چه بیشتر فناوری‌های اطلاعاتی و سیستم‌های اطلاع‌رسانی همگانی، مساله اطلاع‌رسانی بسیار آسان خواهد شد. همین پدیده یعنی آگاهی از اخبار و اطلاعات جنگ، تأثیر بسزایی بر آستانه تحمل ملت‌ها خواهد داشت. دیدن صحنه‌های فجیع کشتار نظامیان، تخریب شهرها و زیرساخت‌ها و... همه اینها در کم کردن و تنگ کردن آستانه تحمل ملت‌ها مؤثر است. از این رو استعمارگران سعی بر این دارند که با به‌کارگیری تمام منابع قدرت ملی خود، در محیط جنگ‌های آینده ظاهر شوند تا بتوانند آستانه‌ی تحمل ملت‌ها را مدیریت کنند.

۱۹- تغییر در نوع مانور

نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که در جنگ‌های آینده، کمتر شاهد مانورهای جبهه‌ای خواهیم بود؛ چرا که تاکید و مرکز ثقل توجه دشمن به مانور احاطه قائم، به منظور توسعه وضعیت در عمق خواهد بود. نقطه بارز و بسیار مهم در بحث مانور در جنگ‌های آینده این است که حلقه‌های عملیات به همدیگر پیوسته نیستند. دشمن در حالی که تلاش دارد پیوستگی کلیت عملیات‌ها را حفظ کند و اجرای عملیات در هر زمان و مکان و تحت هر شرایطی را تداوم بخشد، اما به هیچ‌عنوان عملیات‌ها به همدیگر پیوسته نیست.

۲۱- تکیه بر ابزارهای الکترونیکی و مخابراتی و پرداختن به جنگ الکترونیک

دشمنان از این ابزارها در جهت کشف، متوقف کردن و ختنی کردن ابزارهای الکترونیکی مخابراتی، راداری و سامانه‌های الکترواپتیکی طرف مقابل استفاده می‌کنند. جنگ الکترونیک شامل شنود، جهت‌یابی رادیویی، اختلال، فریب الکترونیک و انهدام سامانه‌های راداری، ارتباطی، ناوبری و الکترواپتیکی دشمن و جلوگیری از اقدام مشابه توسط دشمن است. فرمانده و ستاد در گام سوم طرح‌ریزی در هنگام تهیه برآورد وضعیت عملیاتی، پس از آتش و رزمایش به جنگ الکترونیک خواهد پرداخت.

۲۲- رویکرد شبکه محوری به جنگ

رویکرد شبکه محوری به جنگ به عنوان یک عنصر برتر و ویژگی نمادین در جنگ‌های آینده مدنظر قرار دارد. یک نیروی شبکه‌ای منسجم، کیفیت به اشتراک‌گذاری همگانی اطلاعات را بهبود می‌بخشد که موجب بهبود بقاپذیری و سرعت فرماندهی و سرانجام موجب افزایش شگفت‌انگیز اثربخشی مأموریت می‌شود. در نهایت باید گفت که رویکرد شبکه محور خلق یک برتری در جنگ است.

۲۳- به‌کارگیری تاکتیک ناهمتراز، ناهمگون و یا نامتقارن در جنگ‌های آینده

جنگ ناهمتراز، ناهمگون و نامتقارن پدیده جدیدی نیست و از دیرباز در عملیات و جنگ‌ها وجود داشته است. به عنوان مثال ایرانیان پارسی با به‌کارگیری سواران کماندار و بسیار چابک، رومیان با به‌کارگیری نیزه‌های بلند و مغولان با حملات برق‌آسا نبردهای خود را در قواره ناهمتراز اداره می‌کردند (سعادت راد، ۱۳۸۹: ۹۰). اما آنچه جدید است، تاکتیک ناهمتراز است؛ به عبارت دیگر روز به روز تبلور و شکوفایی جنگ‌های ناهمتراز در جنگ‌های آینده بیشتر نمایان می‌شود و دامنه آن گسترده‌تر خواهد شد.

آمریکایی‌ها چرخه کنش و واکنش میان تهدیدات و فرصت‌های خود را به نفع خود می‌دانند. چون مادام در حال ارزیابی تهدیدات و ایجاد فرصت‌های برای حمله و اعمال رویکردهای ناهمتراز خود حداقل در حوزه روان‌شناختی هستند (رحمان زاده، ۱۳۸۸: ۵۷). از طرفی امکان به‌کارگیری تاکتیک ناهمتراز توسط کشورهای مدافع در مقابل آمریکا در آینده بیشتر خواهد شد. در این زمینه می‌توان به تاکتیک ناهمتراز سومالی در دفاع از خود در مقابل آمریکا اشاره کرد.

۲۴- مد نظر قرار دادن ابعاد و جنبه‌های مختلف جنگ نرم

یکی از مشخصات دیگر جنگ‌های آینده، مد نظر قرار دادن ابعاد و جنبه‌های مختلف جنگ نرم است. در واقع جنگ نرم تلاش برنامه‌ریزی شده برای استفاده از ابزارها و روش‌های تبلیغی، رسانه‌ای، سیاسی و روان‌شناختی، برای تأثیر نهادن بر حکومت‌ها، گروه‌ها و مردم کشورهای مقابل به منظور تغییر نگرش‌ها، ارزش‌ها و فناوری‌های آنان است؛ به عبارتی جنگ نرم به استفاده یک کشور از قدرت نرم برای دستکاری افکار عمومی کشور آماج و تغییر ترجیحات، نگرش‌ها و رفتارهای سیاسی آنان گفته می‌شود (به نقل از عسگری، ۱۳۹۰: ۴۹۱).

۲۵- استفاده از توانمندی‌های پهپاد

هوایماهای بدون سرنشین (پهپاد) از جمله تجهیزات پیشرفته‌ای هستند که جایگاه ویژه‌ای در جنگ‌های آینده دارند. پهپادها با استفاده از جثه کوچک، سرعت و قدرت مانور بالا و خاصیت پنهان کاری (رادارگریزی) می‌توانند در عملیات نفوذ، جاسوسی، مراقبت و توقف دفاع هوایی طرف استفاده شود. همچنین آنها در کار نظارت بر تحرکات دشمن، جمع‌آوری اطلاعات و ارسال آن به مراکز فرماندهی کاربرد دارند و از نظر فنی در برنامه‌های عملیاتی فرماندهان در میداين نبرد قابل استفاده هستند. همچنین قادرند تمام نیازهای عملیاتی را برآورده کنند. علاوه بر وظایف بالا، نقش پهپادها در آینده شامل جنگ الکترونیک، حمله زمینی، فریب و سرکوبی دفاع هوایی دشمن خواهد بود (شکوهی، ۱۳۸۹: ۱۶).

۲۶- انتخاب راهبرد آمادی بر مبنای پشتیبانی متمرکز

پشتیبانی متمرکز آمیخته‌ای از فناوری اطلاعات در کار آماد و حمل و نقل است. به گونه‌ای که در تمام سطوح جنگ بتواند عملیات آفندی را پشتیبانی کند. پشتیبانی متمرکز امکان تحرک‌پذیری بیشتر و پراکندگی سریع‌تر را برای نیروها فراهم می‌آورد. اصل پشتیبانی متمرکز برآیند تجارب جنگی ارتش آمریکا و نیروهای ائتلاف در

جنگ‌های اخیر منطقه است. آنها به این باور رسیده‌اند که پشتیبانی مداوم با سرعت بالا از عملیات آفندی، مستلزم استقرار تجهیزات و اهتمام آمادی کافی در محل‌های کلیدی و از پیش تعیین شده است.

۲۷- پیوند هنر، علم و فناوری در جنگ‌های آینده

از مشخصات دیگر جنگ‌های آینده پیوند هنر، علم و فناوری در آن است. به عنوان مثال پروژه نیروی زمینی آینده آمریکا در طول سال‌های گذشته تاکنون روابط نزدیکی با مراکز علوم و فناوری، دانشگاه‌ها، موسسه‌های علمی در وزارت دفاع و خارج از آن و از همه مهم‌تر با معاون حوزه وزارتی نیروی زمینی، موسسه‌ی طرح‌های تحقیقاتی پدافندی و غیره برقرار کرده است (رابرت اچ، ۱۳۸۴:۲۴۶).

نتیجه‌گیری

نتایج بیانگر آن است که:

- فضای جنگ در آینده بیشتر فضایی خواهد بود مجازی، سیال، نرم‌افزاری و خارج از حواس انسان که به استعاره می‌توان آن را «ذهن» نامید. در این جنگ‌ها تمرکز به عقبه نه با مرزبندی مشخص، بلکه با نوعی فروپاشی از درون با حمله از راه دور به صورت اطلاعات پایه یا دانش محوری استوار خواهد بود.
- با بررسی آثار و دیدگاه برخی از نظریه‌پردازان نظامی غرب و رهنامه نظامی آمریکا، مشخصات زیادی برای جنگ‌های آینده قابل استخراج است. از جمله می‌توان به مواردی همچون: عملیات سریع و قاطع، راه‌اندازی ائتلاف و انجام عملیات مرکب، انجام عملیات تأثیرمحور یا مبتنی بر تأثیر، هم‌زمان‌سازی قدرت، انجام عملیات غیرخطی، به‌کارگیری نیروهای ویژه، ارزیابی همه‌جانبه اطلاعاتی، درگیری هم‌زمان در سطوح سه‌گانه، انجام عملیات پیش‌دستانه، استمرار عملیات تحت هر شرایطی در هر زمانی و مکانی به صورت ناپیوسته و نامتناوب، توسعه‌ی صحنه نبرد و نفوذ بر عمق

هدف، تکیه بر عملیات روانی، حمله به مراکز ثقل، آفند مسطح، تهاجم هوایی و موشکی دقیق، مدیریت زمان، کاهش هزینه‌های جنگ، مدیریت آستانه تحمل ملت‌ها، تاکید بر عملیات سایبری و مجازی‌سازی جنگ، تغییر در نوع مانور، تکیه بر ابزارهای الکترونیکی و مخابراتی، رویکرد شبکه‌محوری به جنگ، به‌کارگیری تاکتیک ناهمتراز، ناهمگون و یا نامتقارن در جنگ‌های آینده، مد نظر قرار دادن ابعاد و جنبه‌های مختلف جنگ نرم، استفاده از توانمندی‌های پهپاد، انتخاب راهبرد آمادی بر مبنای پشتیبانی متمرکز و پیوند هنر، علم و فناوری در جنگ‌های آینده اشاره کرد.

- جنگ‌های آینده با توجه به تعاریف و مشخصاتی که در این نوشتار بدان اشاره شد، به وسیله یگان‌های پرتحرک، چابک و کاملاً انعطاف‌پذیر صورت خواهد گرفت که در این وضعیت با نگاه به آنچه که از نظر گذشت باید پذیرفت که جنگ‌های آینده قابلیت محور خواهد بود.

- بررسی رهنامه دشمن در جنگ‌های آینده، نشانگر آن است که آنان همواره در جهت دستیابی به فناوری برتر تلاش می‌کنند. بنابراین ما ناگزیر هستیم با درک صحیح از صحنه نبرد آینده، نه تنها فاصله خود را با دشمنان کاهش دهیم، بلکه شرایط را به نفع خود تغییر دهیم. از آنجا که توانایی‌های فرماندهی و ابعاد روحی و روانی نیروهای مسلح برای دفاع و مقابله با دشمنان را در اختیار داریم و برتری روحیه مقاومت دلیرانه متکی بر ایمان الهی عامل اساسی در نبرد با دشمن خواهد بود و چنین توانایی‌هایی همراه با طرح‌های نامتقارن برای خنثی‌سازی و مقابله با زورمندی دشمنان، کارآمد است، بنابراین نیاز به تربیت و توجه به پرورش ویژگی‌های فرماندهی برای جنگ‌های آینده بسیار ضروری خواهد بود.

- راه مقابله با راهبرد دشمن در جنگ‌های آینده، به‌کارگیری مؤثر راهبرد دفاع ولایی بنیان مرصوص امام خمینی^(ره) مشتمل بر چهار مؤلفه: رهبری و مرجعیت مقتدر

دینی، جنگاوران ایمانی، پایداری توده‌ای و مردمی و دستیابی به فناوری‌های روزآمد و تأثیرگذار تسلیحاتی است.

• در پایان باید خاطر نشان کرد که اغلب نظریه‌پردازان نظامی غرب، با بیان برتری نظامی و نشان دادن توانایی، قابلیت‌ها، فناوری، اقتدار علمی، صنعتی و نظامی سعی دارند با ایجاد رعب و وحشت، در دل دشمنان خود وحشت بیندازند و خود را قدرت برتر نشان دهند. البته این تصور نادرست آنها است. در صورتی که در عمل نتوانسته‌اند تاکنون، کاری از پیش ببرند. پس عنصر مهمی که می‌تواند در حال و آینده، معادلات یک جنگ را بر هم بزند، نیروی انگیزه، شهادت‌جویی و اراده ملت‌هایی است که در پشتیبانی از دولت خویش بر می‌آیند. به تعبیر فرماندهی معظم کل قوا «سلاح‌های مدرن و مرگبار در برابر ایمان، صبر و اخلاص ناکارآمد است و ملتی که ایمان و جهاد دارد، مغلوب سیطره قدرت‌های ستمگر نمی‌شود».

Archive of SID

منابع

- ۱- آراسته، ناصر، (۱۳۸۹)، کلیاتی از جنگ و مواردی از دفاع مقدس، تهران، انتشارات ایران سبز
- ۲- آزادبخت، مروت، (۱۳۸۲)، جامعه‌شناسی جنگ، تهران، انتشارات چاپخانه ارتش جمهوری اسلامی ایران
- ۳- اسدی، هیبت اله، (۱۳۸۶)، فرماندهی در ۱۴۰۰، تهران، انتشارات دانشگاه افسری امام علی^(ع)
- ۴- ادیب حاج باقری، محسن و همکاران، (۱۳۸۶)، روش‌های تحقیق کیفی، تهران، انتشارات بُشری
- ۵- بختیاری مقدم، حسن و محمود رستمی، (۱۳۹۱)، تأثیر آینده‌پژوهی بر برنامه‌ریزی راهبردی در سازمان‌های امنیتی، فصلنامه امنیت پژوهشی، شماره ۳۷، تهران، انتشارات دانشکده فارابی
- ۶- ثروتی، محسن و همکاران، (۱۳۹۱)، راهنمای آموزشی تدوین دکترین، تهران، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح
- ۷- حیدری، کیومرث، (۱۳۹۰)، جنگ‌های آینده، تهران، انتشارات عقیدتی سیاسی آجا
- ۸- حبیبی، نیک بخش، (۱۳۸۸)، بررسی میزان تأثیرپذیری شیوه‌های نبرد نامتقارن در مقابله با تهدیدات نظامی، فصلنامه مدیریت نظامی دانشگاه افسری امام علی^(ع)، شماره ۲۶، تهران: چاپخانه داف امام علی^(ع)
- ۹- رابرت اچ، اسکیلز، (۱۳۸۴)، جنگ آینده، مترجم عبدالحمید حیدری، تهران، انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
- ۱۰- رستمی، محمود، (۱۳۷۸)، فرهنگ واژه‌های نظامی، تهران، انتشارات سماجا
- ۱۱- روستا، حسین، (۱۳۹۱)، ضرورت آینده‌پژوهی در سازمان‌های تحقیقاتی دفاعی، فصلنامه محقق، شماره ۵۷، تهران، انتشارات اداره تحقیقات و جهاد خودکفایی آجا
- ۱۲- رشیدزاده، فتح الله، (۱۳۸۳)، ویژگی‌های فرماندهان آینده، اولین همایش راهکارهای ارتقای کیفی دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی نیروهای مسلح، تهران، انتشارات دانشگاه افسری امام علی^(ع)

- ۱۳- رشیدزاده، فتح اله، (۱۳۸۹)، تربیت نظامی، تهران: انتشارات دانشگاه افسری امام علی^(ع)
با همکاری انتشارات آوای قم
- ۱۴- رحمان زاده، بهروز، (۱۳۸۸)، جنگ ناهمتراز بالقوه علیه کشور و اقدامات بازدارنده متقابل، فصلنامه علوم و فنون نظامی، سال ششم، شماره ۱۵، تهران، انتشارات دافوس
- ۱۵- سعادت راد، علیرضا، (۱۳۸۹)، آموزه‌های از جنگ ناهمتراز «گذشته تا حال»، فصلنامه علوم و فنون نظامی، سال هفتم، شماره ۱۶، تهران، انتشارات دافوس
- ۱۶- شکوهی، حسین، (۱۳۸۹)، توانمندی پهپاد در جنگ‌های آینده، فصلنامه علوم و فنون نظامی، سال هفتم، شماره ۱۸، تهران، انتشارات دافوس
- ۱۷- طحانی، غلامرضا و عبدالرضا دانا طوسی، (۱۳۹۰)، سیادت دریایی در نبردهای قرن بیستم، تهران، انتشارات دافوس
- ۱۸- عسگری، محمود، (۱۳۹۰)، جنگ نرم عرصه دفاع ملی، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق و سازمان عقیدتی آجا
- ۱۹- کالینز، جان، ام، (۱۹۷۳)، استراتژی بزرگ، مترجم کورش بایندر، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ چهارم
- ۲۰- محمدی نجم، سیدحسین، (۱۳۸۷)، جنگ شناختی، تهران، انتشارات مرکز آینده پژوهی و فناوری دفاعی
- ۲۱- محمدی، عبدالرضا و مهدی حیدری، (۱۳۹۰)، جنگ‌های هزاره سوم از دیدگاه غرب، تهران، انتشارات دانشگاه افسری امام علی^(ع)
- ۲۲- محمدی فر، ناصر، (۱۳۸۳)، استراتژی آموزش نظامی، فصلنامه مدیریت نظامی، شماره ۱۶ و ۱۵، تهران، انتشارات دانشگاه افسری امام علی^(ع)
- ۲۳- مرادی محمدی، مرتضی، (۱۳۸۹)، آسیب شناسی مانور دانشجویی، چکیده مقالات برگزیده همایش مانور دانشجویی، تهران، انتشارات دانشگاه افسری امام علی^(ع)
- ۲۴- مراد پیری، هادی، (۱۳۹۱)، روش‌شناسی و مؤلفه‌های اندیشه دفاعی امام خامنه‌ای، اولین همایش اندیشه دفاعی امام خامنه‌ای، تهران، انتشارات یاران شاهد
- ۲۵- نرم افزار حدیث ولایت، سخنرانی‌ها و پیام‌های مقام معظم رهبری و فرمانده کل قوا به مناسبت‌های مختلف از سال ۱۳۶۶ تا ۱۳۹۰

- 26- David S. FadoK, Maior, john Boyd and john warden Air powers Quest for Strategic paralysis USAF School of Advanced Airpower Studies U Air University press Maxwell Air Force Base, Alabama ,February 1995

Archive of SID